

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره پیاپی: یازدهم - بهار ۱۳۹۱
از صفحه ۱۱ تا ۲۸

تحوّلات و ویژگی‌های شعر عصر مشروطه*

سید احمد حسینی کازرونی^۱
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

چکیده

تحوّلات و ویژگی‌های شعر در عصر مشروطیت در چند زمینه از جمله در موضوع و مضمون تفکر و اندیشه، سادگی و روانی، توجه به زبان مردم و عوامانه‌ها، آشنا زدایی و توجه به باستان‌گرایی، بهره‌مندی از واژه‌ها و ترکیبات بیگانه، عنایت به ساختار شکنی و دگرگونی در قالب‌های شعری صورت پذیرفت. مضامین و مفاهیم اصلی شعر مشروطه بر پایه و نمایه‌های مردم‌گرایی و وطن‌دوستی، آزادی خواهی و سلطه ستیزی استوار و هموار گردید. شعر فارسی در این دوره از تقلید مضامین پیشینیان روی برگرداند و از حوزه مدح و ستایش مستکبران حکومت‌ها و درباریان، خارج شد و رهایی یافت. در نهایت، این دگرگونی‌ها که متأثر از تغییرات جغرافیایی سیاسی در منطقه بود، منجر به تغییر ماهیت‌های شعری در عصر مشروطه گردید.

واژه‌های کلیدی: مشروطیت، شکوه و شکایت، وطن خواهی، تجدّدطلبی،

قالب‌های شعری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

* - تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۹

^۱ - پست الکترونیکی: sahkazerooni@yahoo.com

مقدمه

شعر فارسی در عصر مشروطیت و پس از آن از تقلید مضامین گذشته روی برگرداند و از فردیت و شخصیت پردازی خاص حاکمان خارج شد و وطن دوستی و مردم گرایی، محور اصلی شعر شاعران عصر آزادی خواهی گردید.

این تحولات در دوره مشروطه در دو حوزه موضوع و اندیشه به شرح زیر صورت پذیرفت:

الف- در حوزه موضوع و مضمون: برخلاف مضامین پیش از مشروطیت که شعر، نمایشگر روابط میان انسان با طبیعت بود، بیشتر به مضامین سیاسی، انتقادی و اجتماعی یعنی به روابط میان انسان های شتاب زده امروز توجه شد. به گفته اخوان ثالث، شعر این دوره «سرشار از شتاب زدگی و سهل انگاری و غالباً عریان از زیبایی اند.» (همان، ۱۳۷۶، ۳۵).

شاعران این رستاخیز از مضامین مورد عنایت گویندگان پیشین، چون قامت صنوبری و قدقامتان راست اندام، خال مشکین و لب یاقوت فام و چاه ذقن و ابروی کمانی و سیمای مهتابی، پرهیز جسته و کاربرد آنها را دور از شأن روشن فکری دانسته اند:

ای شعرا چند هشته در طبق فکر لیموی ... یار، سیب ذقن را
ای ادبا تا به کی معانی بی اصل می بطرازید ابجد و کلمن را

آرین پور، یحیی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۹

ب- در حوزه اندیشه، آشنایی ملموس با تمدن و آزاد منشی و آزادی خواهی مغرب زمین، رهایی مردم ستم دیده ایران را از تمام قیود دست و پاگیر گذشته رقم زد و ماهیت رستاخیز شعری را مشخص و متمایز کرد و «خیلی راحت می توان جای پای آشنایی با تمدن مغرب زمین را ولو به صورت خام در شعر مشروطه دید...» (شفیعی کدکنی، چ اول، ۱۳۵۹: ۴۷).

تفاوت های ماهیت شعری این دوره را با روزگاران گذشته می توان بدین گونه

خلاصه کرد:

۱- شکوه و شکایت از زمین و زمان و چرخ برین که پیشینه ای به درازای شعر و

ادب فارسی دارد :

چرخ برهم زخم از غیر مرادم باشد من نه آنم که زبونی کشم از چرخ بلند

حافظ، دیوان : ۴۸۰

نمونه شعری دیگر از شاعر عصر رستاخیزی :

گر فتم فرصتی به دست برآرم از فلک و چرخ دون دمار علی جان

عارف، ۱۳۶۵ : ۳۱۳

۲- شکوه از آفرینش و ابداع خلقت، که در شعر سنت گرا شکایت از مردم

روزگار بوده و در شعر معاصرین، شکوه از آفریدگار، آفرینش پدیده ها، پیش از مشروطه بر اساس کتب مقدّس، تفسیری آسمانی و الهی داشت، ولی در شعر این دوره به پیروی از روشن فکران دنیوی غرب و ترجمه آثار آنان که متأثر از دیدگاه های غیر دینی و بعضاً سکولاریسم بود، طریقی دیگر پیمود :

به پندار دانای مغرب زمین پدید آور پند نو داروین

زمانه ز میمون دمی کمی نمود سپس ناسزا نامش آدم نمود

اگر آدمیت بر این بی دمی است دمی کوکه من عارم از آدمی است

چو اجدادم ای کاش میمون بدم که در جنگلی راحت اکنون بدم

کلیات عشقی، ۱۳۷۵ : ۳۵۹

بهار هم در این خصوص، چنین سروده است :

تویی آن حلقه مفقوده که او بین بوزینه و جنس بشر است

بهار، ۱۳۶۸، ج ۲ : ۳۷۶

تسری اندیشه‌های خیامی در مورد کارگاه خلقت از جمله تبیین پدیده های زندگی

و مرگ و انکار اختیارات، هرچند که این نوع اندیشه ها در اشعار شاعران گذشته از

جمله در اشعار خیام و حافظ و تنی چند از دیگر شاعران فارسی زبان دیده شده است.

اما این بار تحت تأثیر عقاید اندیشمندان اروپایی چون کارل ماکس و داروین، هویت دیگری پیدا کرد.

۳- ستیزه‌گری با جهل و فقر در این میان، بیش‌ترین حمله‌ها از سوی ایرج میرزا صورت می‌گیرد، بدین گونه بسیاری از مرسومات جامعه را به دید انتقادی می‌نگرد. فرخی یزدی و لاهوتی، بیش از دیگران، مردم را به فراگیری دانش توصیه می‌کردند. غالب اشعار نسیم شمال هم به افشاگری به درماندگی و فقر مردم اختصاص داشته است. عشقی برای احقاق حق محرومان، عید خون را به شعر می‌کشاند. بهار نیز به عدالت‌گری برمی‌خیزد و استبداد را در شعرش به بند می‌کشاند و محکوم می‌کند.

۴- وطن دوستی (ناسیونالیسم)، وطن‌خواهی در شعر قبل از مشروطه بر اساس مبنای عقیدتی و دینی، جهان‌وطنی (انترناسیونالیستی) بوده است. به قول مولانا «این وطن، مصر و عراق و شام نیست» یا «در اسلام، ملت به معنای اروپایی کلمه نداریم، امت داریم که مفهومی عمیق‌تر و فراگیرتر از کلمه ملت است.» (حداد عادل، غلام‌علی، بی تا: ۲۲).

«زیباترین ستایش‌ها از مفهوم وطن در دیوان بهار، مشهود است، بهار به سبب آگاهی نسبتاً وسیعی که از گذشته ایران داشت و به علت هیجان و شیفتگی عاطفی که نسبت به گذشته ایران در او بود، بهترین مدیحه‌سرای آزادی و وطن‌خواهی در بافت بورژوازی آن است، وطن پرستی در حد اعلای آن نه شوونیسیم»، (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۲۲).

در این دوره، جهان‌وطنی، جای خود را به میهن‌دوستی می‌دهد.

شاید یکی از علل تغییر بنیادین این تفکر در این برهه از زمان، تهاجمات نیروی بیگانه به این سرزمین بود که برای حراست از آن، وطن‌دغدغه اصلی گویندگان و نویسندگان روشن فکر این زمان گردید.

در دوره اول مشروطه خواهی، عارف قزوینی، میرزاده عشقی و ایرج میرزا و لاهوتی کرمانشاهی، اشعاری در ستایش از وطن و میهن دوستی پرداختند، اما ادامه آن در دوره دوم شعری (دوره رضاخان) به افراط‌گرایی شوونستی خاتمه یافت، هرچند

که وطن‌گرایی نسیم شمال، از دیدگاه دینی و مذهبی و مظاهر اسلامی در اشعارش بر پایه عقایدش کاملاً نمایان است.

۵- آزاد منشی و آزادی خواهی (لیبرالیسم)

آزادی در متون پیشین عرفانی ایران، در معنای رهایی از تعلقات دنیوی و نفسانی به کار رفته است و نه در معنای طغیان علیه خودکامگی‌ها و استبدادهای طاغوتیان.

«قبل از مشروطه، مفهوم آزادی- که مترادف دموکراسی غربی است- به هیچ وجه وجود نداشت. این تفکر حاصل از انقلاب کبیر فرانسه (بعد از ۱۷۸۹ میلادی) و انقلاب صنعتی انگلستان (از حدود ۱۷۵۰ میلادی به بعد) و پی آمدهای آن است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۳۷).

آزادی خواهی، همراه با وطن دوستی و مبارزه با استعمار ستیزی، پر و بال ادبیات مشروطه را در افقی روشن به پرواز درآورد.

شاعران این دوره، آزادی طلبی را از دیدگاه‌های زیر مورد عنایت قرار دادند:

الف) ستیز با استعمار در معنای آزادی میهن از استعمار خارجی.

ب) ستیز با استبداد در معنای رهایی وطن از خودکامگی‌های داخلی.

ج) ستیز با سنت‌ها و خرافات و باورهای باطل پیشین.

سه تن از شاعران این عهد، یعنی عارف قزوینی و فرخی یزدی به ویژه بهار، بیش از دیگران به بحث آزادی پرداختند. «اگر دو نهنگ بزرگ را از شط شعر بهار بخواهیم صید کنیم، یکی مسأله وطن است و دیگری آزادی.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۳۷)

۶- تجدّد طلبی، اصلاح‌گرایی و نوسازی (مدرنیسم).

تحولات جامعه و ساختار اجتماعی ایران به جهاتی از دوره ناصرالدین شاه قاجار آغاز گردید. رفت و آمد ایرانیان به ممالک اروپایی در این دوره که موجب آشنایی ایرانیان به وضعیت زندگی مردم و دولت‌های آزادی خواه غرب بود باعث گردید که ایرانیان به خود آیند و برای تغییرات ساختار ملی و حکومتی خود اقدام نمایند.

اندیشه‌نوسازی و تغییرات بنیادی در کشور از سوی روشن‌فکران مردمی و دولت‌مردان میهنی به ویژه امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپه‌سالار صورت پذیرفت، اما پس از فروکش کردن اصلاح‌طلبی‌ها، نوسازی‌ها در زمان حکومت رضاخان بر پایه‌الگوهای غرب و به گونه‌فرمایشی به پیش رفت و بنیان‌زندگی در بافت طبقاتی جامعه دگرگون شد. آئین و رسوم فرو ریخت، غافل از این که «تجدد نه به معنای رشد اقتصادی است و نه به معنای اروپایی کردن آداب و رسوم و نه در شهر بزرگ زیستن، بلکه طرز برداشت خاصی از زندگی است، تجدد به معنای آن است که بنیان‌های زندگی، تعاریف جدیدی یابند، یعنی جان انسان در این جهان، رابطه او با طبیعت و زمان و واکنش او در برابر مرگ و روابطش با دیگران دگرگون می‌شود.» (جمشید بهنام، بی تا: ۱۸۲).

تجدد طلبی‌های ایرانیان در عصر مشروطیت، فراز و نشیب‌هایی را به خود دیده که می‌توان آنها را به سه دوره، محدود و منحصر کرد:

الف- اقدامات تجدد خواهانه دولت‌مردانی شایسته، چون عباس میرزا، قائم مقام، امیرکبیر و در اصلاح ساختارهای دولتی و ملی (در دوره قاجار).

ب- تلاش برخی از روشن‌فکران تجدد طلب، همچون حسین‌خان سپه‌سالار و میرزا علی‌خان امین‌الدوله، جهت دست‌یابی به مقامات بالای حکومتی (در عصر قاجار).

ج- تجدد طلبی برخی از روشن‌فکران دوره رضاخانی، مانند سید حسن تقی‌زاده که خواستار تغییرات ساختاری جامعه ایرانی بر اساس موازین غربی بود (در دوره پهلوی).

به هر حال، اساس اندیشه‌شاعران درگیر مشروطه بر پایه اصلاح طلبی و تجدد خواهی بوده، چنان که ملک‌الشعراى بهار، نیز راهی جز این ندیده است:

یا مرگ یا تجدد و اصلاح راهی جز این دو پیش‌وطن نیست

۷- تبیین شخصیت زن و فعالیت‌های اجتماعی

موضوع دیگری که در عصر مشروطیت از پشت دیوار قرون، چهره خود را نمایان ساخت، توجه به شخصیت زن و آموزش و پرورش اوست، زیرا در جامعه پیش از مشروطه، در بعضی از دوره‌ها به ویژه دوره قاجار، جز خواندن قرآن به زنان اجازه داده نمی‌شد. (در بعضی از منابع مثلاً در کتاب «التحییر سمعانی» که در سده ششم هجری نوشته شده در خصوص زندگی نامه مشایخ از جمله زنان مجتهد ایرانی در نیشابور خراسان اشاره شده است و جالب توجه این که سمعانی از این زنان مجتهد، اجازه روایت حدیث گرفته است).

ایرج و بهار و پروین از جمله شاعرانی بوده‌اند که به شخصیت زن و تعلیم و تربیت او که در ادبیات گذشته ایران بی سابقه بوده، بها داده‌اند، همچنین در تعالی و ترغیب آنان منظومه‌هایی از خود باقی گذاشته‌اند.

تشویق زنان به کسب دانش و فعالیت‌های اجتماعی در اشعار شاعرانی مانند عارف و لاهوتی و عشقی کاملاً نمایان است. نسیم شمال هم علاوه بر ترغیب زنان به تحصیل کمالات، حجاب و عصمت را برای زنان واجب دانسته است.

ایرج میرزا نیز اعتقادش بر آزادی فیزیکی زنان بوده تا آنجا که در شعر «هدیه عشق»، معشوقه را محکوم و عاشق را تمجید کرده است. نقطه مقابل او، میرزاده عشقی است که در «سه تابلوی مریم» به نکوهش عاشق و به ستایش معشوقه پرداخته است. ملک الشعرا بهار، زن را «شعر خدا» و مرد را «نثر خدا» نامیده و نگاه او به زن، وجهه سنتی دارد:

خانم آن نیست که جانانه و دلبر باشد خانم آن است که باب دل شوهر باشد

دیوان، ۱۳۶۸: ۴۵۹

شاید برای نخستین بار باشد که شاعران فارسی زبان در این دوره، فعالیت‌های اجتماعی زنان را ارج نهاده و کسب معرفت و دانش را برای جماعت زنان ایرانی واجب دانسته‌اند. در حالی که اغلب گذشتگان ما دختران و زنان را در جهل و نادانی فرو می‌گذاشتند و در دنیای بی خبری رها می‌کردند.

«فرهنگ و ادب ایران، نیز اگر نه همیشه مذکر، لاقبل در اغلب موارد مذکر و در دوره های خاصی نیز خنثی بوده است، تصویری از زن به معنی عمومی کلمه، جز در لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر و ویس و رامین پیدا نمی کنید. این چهار اثر، تنها آثاری هستند که زن به ویژه دنیای فردی او به شکلی رمانتیک، البته سخت احساساتی، نشان داده شده است...»، (براهنی، دکتر رضا، ۱۳۵۱، ص ۱۴ به بعد).

اشعار زیر، شواهدی است بر این مدعا :

زن راست باز بسیار جفای زن کشیدند زن چیست؟ نشانه گاه نیرنگ در دشمنی آفت جهان است گویی که بکن نمی نیوشد چون غم خوری او نشاط گیرد این کار زنان راست باز است	جز زرق نسازد آنچه سازد وز هیچ زنی وفا ندیدند در ظاهر صلح و در نهان جنگ چون دوست شود هلاک جان است گویی که مکن دو مرده کوشد چون شاد شوی ز غم بمیرد افسون زنان بد دراز است
--	---

کلیات خمسه، لیلی و مجنون : ۵۲۹

زنان مانند ریحان سفالند نشاید یافتن در هیچ برزن وفا مردی است بر زن چون توان بست بسی کردند مردان چاره سازی زن از پهلوی چپ گویند برخاست	درون سوخبت و بیرون سو جمالند وفا در اسب و در شمشیر و در زن چو زن گفتی بشوی از مردمی دست ندیدند از یکی زن راست بازی مجو از جانب چپ جانب راست
---	---

همان، خسرو و شیرین: ۲۳۸ و ۲۴۹

«در بیشتر آثار کهن فارسی به رغم نظریات والا و احترام آمیز اسلام در خصوص زنان، نوعی بدبینی افراطی و غیر منصفانه ای، همراه با تحقیر و توهین نسبت به طبقه نسوان، همانند نمونه های باقی مانده در آثار کهن فارسی، مشاهده گردیده است.» (رزمجو، دکتر حسین، ۱۳۶۶، ج ۱ : ۱۳۷).

هنگامی که در کلام الله مجید در خصوص احکام و تکلیف‌های اجتماعی و پاداش و اجر نیکوکاران یا عقوبت و مکافات مسلم و مؤمن و صادق و صابر و نظایر آن سخن به میان می‌آید به تبعیت مردان مسلمان، از زنان مسلمان با کلمات مسلمه، مؤمنه، صادق، صابره و ... نام برده می‌شود. (رک: قرآن کریم، سوره مبارکه احزاب، آیه ۳۵) : «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ...».

در جایی از نهج البلاغه، زن به گل خوش بو تشبیه شده، اما به گونه‌ای دیگر هم آمده که: زن، عقربی است که گزیدن او شیرین و گواراست.

۸- مضامین دیگری از قبیل انکار اختیار و حکومت جبر، نفی آفرینش و ضدیت با آن، مذهب‌گریزی، بی‌اعتقادی به مظاهر الهی، توجه به ایران باستان و مظاهر دینی آن، مزدک‌گرایی، تشنّت در آرا و عقاید و نوعی انسان‌محوری در بعضی از شعر شاعران این دوره مشاهده می‌شود که جملگی متأثر از نفوذ اندیشه‌های متداول غربی و شرقی در این زمانه است.

تبلیغات تئورسین‌هایی از قبیل ذبیح‌الله بهروز در احیای مناسبات زرتشتی که در فضای شوونیرم نفس می‌کشیدند به گونه‌ای بود که «حتّی توّلد زردشت را با دقیقه و ثانیه تعیین کرده بودند»، (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۲۴).

ج- در خصوص زبان شعری:

۱- سادگی و روانی

از بارزترین ویژگی‌های شعر مشروطه، سادگی و روانی و قابل‌فهم بودن برای جماعت مردم است. شعر این دوره، مورد خطابش عوام بودند، یعنی جماعت مردم کوچه و بازار، مردمی که تحصیلات چندانی نداشتند و سوادشان در حدّ مکتب‌خانه‌های محلّه و شهرشان بود، لذا برحسب موقعیت اجتماعی و انقلابی، شعر این دوره پس از گذشت یک هزار سال، شدیداً دچار سادگی و عوام‌زدگی شد، به گونه‌ای که «اغلب شعرهای مشروطیت را می‌توان به نثر نوشت»، (براهنی، ۱۳۷۱: ۲۵۴).

اما شاعران عصر مشروطیت، می‌دانستند چه بنویسند و برای که بنویسند، زین العابدین مراغه‌ای در این خصوص گفته است: «آن‌گونه بنویسد و بسرائید تا با سواد

و بی سواد بتوانند عبارت را تمیز دهند و در مطالعه اش، ماحصل کلام را بفهمند.» (مؤمنی، محمد باقر، ۱۳۵۷: ۵۱).

میرزا آقاخان کرمانی درباره سادگی نوشته ها چنین بیان داشته «سادگی عبارت، سرچشمه زلالی است که ظلمتیان را انوار تازه می بخشد و در خاطره های افسرده، روح جدید پدید می آورد.» (آدمیت، فریدون، ۱۳۵۷: ۲۱۵).

نسیم شمال به جهت گزینش کلمه ها، ترکیب ها، عناصر کلامی مردم پسند، فلکلهای مطلوب و چاپ مطالب دل خواه مردم، توانست زنجیره ارتباطی خود را با مردم به خوبی حفظ کند.

زبان سهل و ممتنع ایرج هم شاهد بارزی است در این خصوص :

خواهم اگر بیش لوندی کنم مفتضحش چون بز قندی کنم
مسخره عالم بالا شود حاجی زکی خان فداها شود

محبوب، محمد جعفر، ۱۳۵۳: ۱۱۶

زبان شعر بهار از استحکام کافی برخوردار و از سادگی مفرط به دور است، در واقع او شاعر خواص است، شعر عارف، ساده است و از غوامض و پیچیدگی به دور. اشعار عشقی با وجود قلت، سادگی و روانی را به دنبال دارد، ولی همچون اشعار عارف از قوانین دستوری، غالباً به دور است.

این شاعران «چون می خواستند سنتزی بین زبان ادب و عامه ایجاد کنند به همین دلیل زبانشان پر از غلطهای دستوری است، ولی سید اشرف (نسیم شمال) به علت این که خالصاً عامیانه است، کم تر اشتباه دستوری دارد، چون عامه وقتی که به زبان خودشان حرف می زند اشتباه نمی کنند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۴۶):

طبع من مسؤول تاریخ است ساکت مانم ار هان به وجدانم مرا تاریخ مدیون می کند
عشقی، ۱۳۷۵: ۳۳۵

خدا خراب کند آن کسی که مملکتی برای منفعت خویش خوان یغما کرد
عارف قزوینی، ۱۳۶۵: ۲۱۷

۲- توجه به زبان مردم (کاربرد واژگان، ترکیبات و اصطلاحات عامیانه) :

شعر فارسی پس از روی آوری به مردم و گریز از دربار و خواص و بنابر مقتضیات مردمی به استقبال عامیانه ها رفت و شاعران، این اصطلاحات کاربردی را از مردم به وام گرفتند، برای مثال، کاربرد «جوابش کردم» در شعر زیر :

شب چو در بستم و مست از می نابش کردم ماه اگر حلقه به در کوفت جوابش کردم
فرّخی یزدی، ۱۳۶۳ : ۱۵۵

یا اصطلاح «سرت نازم» در شعر ملک الشعراى بهار :

مگردان جوهر سیال در مغز بهار امشب سرت نازم نجاتم ده ز دست روزگار امشب
بهار، ۱۳۶۸ : ۱۰۳۰

۳- آشنا زدایی و توجه به باستان گرایی (آرکایسم)

توجه به زبان گذشته در برخی از اشعار شاعران این عصر قابل مشاهده است. مثلاً زبان شعری بهار با توجه به مخاطبانش، پیوسته در تغییر و تبدیل است. «آن جا که از ملت در خشم و خروش است و ملت را خطاب قرار می‌دهد، شعرش را در سطح گفت و گوهای کوچه و خیابان تنزل می‌بخشد و هرگاه با ادیبی مجاجا می‌کند، ادیب گونه به معارضه برمی‌خیزد و آن گاه که سودای برانگیختگان دارد، شعر حماسی می‌سراید، آن گونه که لحن کلام فردوسی را تداعی می‌کند و بالطبع در گوش جان می‌نشیند و به گاه نصیحت، سعدی گونه سخن می‌گوید و به گاه بیان مفاهیم عارفانه، مولانا وار ...»، (انسانی، شهلا، ۱۳۷۸ : ۳۱).

همانا کیفر و مهر خداوندی که هستی تو به یک جا گرم با دافره به یک جا گرم پاداشن
بهار، ۱۳۷۸ : ۲۹۰

کاربرد واژه‌های پهلوی با دافره و پاداشن در شعر فوق و «سیزک» در شعر زیر، مبین توجه ملک الشعراى بهار به سبک خراسانی و واژه‌های پهلوی است:

به رشک آوران هیچ منمای زر بپرهیز از سیزک بی هنر
بهار، ۱۳۷۸ : ۸۹۰

یا کاربرد بعضی از واژه های کهنه، مانند: خلیدن (خَلَدت) و گلخن در شعر عارف

قزوینی:

نور بخشد به دل از گلشن و گل وزان سوی تا که در دل خلدت خار به گلخن دارد
عارف، ۱۳۶۴: ۲۳۳

کاربرد واژه باستانی و غیر رایج «جهندی و خسبندی» در شعر میرزاده عشقی:
چه از این روی همی جنبیدی گه جهندی و گهی خسبندی
کلیات عشقی، ۱۳۷۵: ۲۰۶

۴- کاربرد واژه‌ها و ترکیبات بیگانه

کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی، روسی، فرانسوی، ترکی و ... به دلیل گشایش دریاچه‌های ارتباطی با شرق و غرب در بیان گویندگان و نویسندگان این دوره بر حسب معمول و به دلایل زیر متداول گردید:

۱- فعال شدن فضای سیاسی و اجتماعی

۲- فعال شدن حرفه روزنامه نگاری و انتشار آن توسط بعضی از شاعران و نویسندگان. شاعران این دوره جز تنی چند مانند عارف و ایرج میرزا ضمن مشروطه سرایی، غالباً به نگارش مقاله و خطابه در روزنامه‌های شخصی یا عمومی می‌پرداختند، بدین گونه اصطلاحات روزنامه‌ای (ژورنالیستی) و کاربرد کلمات بیگانه از جهت پیام رسانی از تداول عامه برخوردار شد.

ملک الشعرای بهار در بحبوحه اشغال ایران، توسط روس‌ها در جنگ جهانی اول، شجاعانه در غزلی با کاربرد واژه‌های بیگانه، همراه با تصاویر خیالی و در سخنی تازه این تهاجم را به سختی محکوم کرد. ایرج میرزا نیز در مثنوی معروف خود، تحت عنوان «انقلاب ادبی» با وارد کردن کلمات فرانسوی، همراه با نوعی طنز به ورود واژه‌های بیگانه غربی و رواج آن در میان ایرانیان به این نوع گرایشی کمک کرد.

۵- پیدایش و رواج ادبیات کارگری

یکی از شاخه‌های ادبیات مشروطه، ادبیات کارگری و فروع آن بوده است. رساترین صدای ادبیات کارگری در شعر لاهوتی کرمانشاهی مشاهده می‌شود، هرچند ایرج میرزا هم در زمینه کارگر و کارفرما اشعاری دارد.

قالب‌های رایج شعری در عصر مشروطیت:

شعر سنتی معاصر با بهره‌مندی از وزن‌ها و بحرهای غریب عروضی، توسط تنی چند از معاصران نظیر ابراهیم پور داوود، در قالب‌های نو در یک طبع آزمایی جدید سروده شده. دکتر محمد معین که پایان نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی خود را تحت عنوان: «مزدیسنا در ادبیات فارسی» زیر نظر استاد پور داوود گذرانده در این باره نوشته است: «پور داوود به صرافت طبع، اوزان غریب انتخاب کرده و نیک از عهده برآمده است، از آن جمله است: قصیده «دژ هوخت گنگ» که در بیت المقدس سروده به مطلع:

در بهار و موسم گل زندگی است بس دل خواه ویژه از نگار رومی هست همدم و همراه
از بحر مقتضب مثنوی مقطوع (فاعلات مفتعلن مفعولن) و نیز از این گونه
است سروده «اشم و هو» مذکور و آن چنان که علامه قزوینی نوشته است: وزن نادری
است به طوری که در المعجم شمس قیس رازی، اصلاً ذکر این وزن نیامده است، ولی
در غیث اللغات، این وزن ذکر شده است و از فروع بحر متدارک شمرده است و این
بیت جامی را هم مثال آورده است:

سنبل سیه بر سمن مزن لشکر حبش بر ختن مزن
فاعلن فعل فاعلن فعل فاعلن فعل فاعلن فعل

(محمد معین، ۱۳۲۵: ۳۹-۳۸، به نقل از امین، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۳).

اما طرز سخن سرایی جماعت شاعران در دوره بازگشت ادبی، همچون: آذر بیگدلی، سروش اصفهانی، صبای کاشانی، مجمر اصفهانی، نشاط اصفهانی و یغمای جندقی، تفاوت چندانی با شیوه گویندگان سبک خراسانی و عراقی ندارد. مثلاً «صبای کاشانی، بیشتر مثنوی‌های خود را به اقتفای شاه نامه سروده است. در غزل، مجمر مقلد سعدی و نشاط مقلد حافظ بوده اند.

در قصیده، سروش دنباله رو فرخی سیستانی است، قانی هم که در قصیده سرایی، شاخص‌ترین استاد شاعران عصر قاجار است. از جهت محتوایی، پیامی اجتماعی و شعاری

قابل اقتفا و پیروی، ارائه نمی دهد و هنر او در لفاظی و سخن پردازی و موسیقی بیرونی کلام و ترکیب سازی خلاصه می شود.»، (امین، ۱۳۸۴: ۶۳).

وصال شیرازی و فرزندانش وقار و داوری، پیش از مشروطه نیز به سرودن قصاید و غزلیاتی در اوزان غریب و مهجور عروضی پرداختند. در زمان ما هم شاعرانی مانند اخوان ثالث، حسین آهی، سپیده سامانی، سیمین بهبهانی و شفیعی کدکنی و تنی چند از شاعران دیگر نیز وجود دارند که در قالب مثنوی و غزل و در وزن‌ها و بحرهای غریب عروضی اشعاری سروده‌اند.

شعر آئینی هم که بازگشتی به مکتب کلاسیک و سنتی ایران داشت، پس از انقلاب بهمن دوباره رونق گرفت، اکنون نیز اشعار نیمایی و سپید به رواج خود ادامه می دهد و به نوعی، مسیر خود را می پیماید.

شاعران پیش از مشروطه بیشتر، قالب‌های قصیده و غزل و مثنوی را بنا به اقتضای خواسته های معمول زمان برای بیانات خود استفاده می کردند، ولی شعر مشروطه به جهت تقلید از شعر اروپایی و ژورنالیستی، در درجه اول، قالب های مسمط و مستزاد و در مرحله بعدی، ترکیب بند و ترجیع بند را مورد توجه قرار دادند، هرچند که تصنیف سرایی هم از رونق و توجه گسترده مردم برخوردار بود.

قالب شعری مسمط که پیدایش آن در سبک خراسانی است و در سبک عراقی از رواج افتاد در شعر مشروطه از نمودی خاص برخوردار شد.

رواج مستزاد نیز در این دوره، مرهون شعاری بودن این نوع شعر است که می تواند حامل پیام‌های شاعرانه جهت گسترش ارتباط جمعی مردم باشد. در حقیقت در مصراع های هر سوی بیت، شعار شاعرانه و تأیید و تکرار مردمانه، جاری و نمایان است.

نمونه ای از مسمطات میرزاده عشقی (در نکوهش روزگار) و ذکر یک بند از آن :

آسمانت فتنه بار است و زمینت فتنه زار دست زرع تخم غم پاش است و تخم دل فگار
ای عجب زین تخم کارو واسف زان تخم زار تخم در دل ریخته از دیده روید زار زار

وه ز تو ای زارع آزرم کار

روزگار ای روزگار

نمونه‌ای از مستزادهای طنزآمیز و سوگ آلود سید اشرف (نسیم شمال) با عنوان: ای وای، وطن وای :

ای وای وطن وای	گردیده وطن غرقه اندوه و محن وای
ای وای وطن وای	خیزید و روید از پی تابوت و کفن وای
کو جنبش ملت	کو همت و کو غیرت و کو جوش فتوت
ای وای وطن وای	مشروطه ایران شده تاریخ زمن وای
گم نام شد اسلام	تنها نه همین گشت وطن ضایع و بدنام
نرگس شده قرمز	بلبل نبرد نام گل از واهمه هرگز
ای وای وطن وای	سرخ اند از این غصه سفیدان چمن وای

(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۱۶۲)

بهار در قالب های ترکیبی، مانند مسمط مستزاد: «اهلاً و سهلاً»، (۱۳۷۸: ۱۱۵)، مسمط ترجیع «دوز و کلک انتخابات»، (همان، ۱۸۰)، قصیده مستزاد: «کار ایران با خداست»، (همان: ۱۲۷) بعد از نسیم شمال، بیش از دیگر شاعران این عهد، طبع آزمایی کرده است. در زیر به ذکر نمونه ای از مسمط مستزاد بهار، تحت عنوان: «سبحان الله، این چه رنگ است.» می‌پردازیم:

پاینده فلک چرا به جنگ است

سبحان... این چه رنگ است

بود روزی به شهر تبریز آقا و ولی عهد و با چیز

شه هرمز بود و بنده پرویز و اینک شده ام ز دیده خون ریز

که این چرخ چرا چنین دو رنگ است

سبحان... این چه رنگ است

ملک الشعرای بهار این ترجیع بند را در ۲۵ سالگی به صورت مطایبه و استهزا از

زبان محمد علی شاه ساخت که در روزنامه نوبهار مشهد منتشر شد.

توضیح این که محمد علی شاه قاجار، پس از خلع و فرار به روسیه در سال ۱۲۸۹ شمسی به تحریک دولت روسیه تزاری، از راه گرگان به تهران حمله کرد و حمله او به وسیله قوای ملی ایران دفع و درهم شکسته شد و صاحب منصبان ارشد او کشته شدند و خود دوباره به روسیه فرار کرد. در این جا به بند دیگری از این ترجیع بند اشاره می‌شود:

بودم روزی به شهر تهران مولا و خدایگان و سلطان
بستم همه را به توپ غران گفتم که کسی نماند از ایشان

دیدم روز دگر که جنگ است

سبحان ا... این چه رنگ است

نمونه‌ای از ترکیب بند ملک الشعرا:

توضیح: گشایش دوره سوم مجلس شورای ملی که پس از انقلاب جهانی و پریشندگی های داخلی کشور به منزله روزنه امیدی برای ملت ستم دیده ایران بود، موجب شد تا مرحوم بهار که از اوضاع سخت متأثر و تازه در سمت نمایندگی مجلس سوم از خراسان به تهران آمده بود، این مسدس ترکیب بند را در سال ۱۲۹۲ خورشیدی بسراید و در روزنامه نوبهار منتشر سازد:

در مجلس به فرخی و اشد آنچه گم گشته بود پیدا شد
شید رخشان عدل طالع گشت دیو دژخیم ظلم رسوا شد
برق اعتساف ساقط گشت رایت انتظام برپا شد
بانگ پاینده باد آزادی از ثری باز تأثریا شد
جریان امور را امروز همه اسباب ها مهیا شد
تا نگوئی که آه نیم شبی بی اثر ماند و ناله بی جا شد

آه شد اشک و اشک شد قطره

قطره شد سیل و سیل دریا شد

کودتای سه ساله غوغا کرد کودک شصت ساله بانی او
من نگویم که خود چه با ما کرد آن که بودیم جمله فانی او
زنده در گورمان چه موتی کرد آن که از ماست زندگانی او

نی ز تو بیخ خلق پروا کرد نه اثر کرد مدح خوانی او
وه که خسرو به تخت مأوا کرد فری آن فر خسروانی او
چتر انصاف بر سرپا کرد زهی آن چتر کاویانی او

حکمت حق چنین تقاضا کرد

به خطا نیست حکم رانی او

بهار، ۱۳۶۸ : ۲۸۳ - ۲۸۲

نتیجه

شعر مشروطه به پیروی از فضای سیاسی و اجتماعی کشور به شکلی از مقاومت‌گرایی در برابر واقعیت‌ها تغییر ماهیت داد. شاعران این دوره به تبعیت از شیوه شاعران غرب، چرخشی از لحاظ دگرگونی در فرم و ژانر ادبی در شعر پیدا کردند و به کار بستند. این تحول ادبی، موجب پیدایش انواع شعر در قالب‌های گوناگون از جمله موج نو، مثنوی، سپید، ناب، سمبولیک و شعر حجمی گردید.

از سوی دیگر، طرز نگرش به شعر فارسی به جهت بار معنایی و به تاسی از فضای شعر مدرن غربی به کلی دچار نوسان و دگرگونی گردید.

این تحولات در فضای شعری، نتیجه آشنایی برخی از شاعران یک‌صد ساله اخیر ایران به شاعران غرب و در آغاز آن به شاعران فرانسه بود که تأثیر کلامی شاعران مزبور بر اشعارشان قابل ملاحظه است.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۷)، اندیشه‌های میرزاآقاخان کرمانی، چ دوم، تهران، پیام.
- ۲- آریزپور، دکتر یحیی، (۱۳۵۱)، از صبا تا نیما، ج ۲، تهران، کتاب‌های جیبی.
- ۳- امین، دکتر محمد، (۱۳۸۴)، ادبیات معاصر ایران، تهران، دایرة المعارف ایران.
- ۴- انسانی، شهلا، (۱۳۷۸).
- ۵- براهنی، دکتر رضا، (۱۳۶۳)، تاریخ مذکر، تهران، نشر اول.
- ۶- _____ (۱۳۷۱)، طلا در مس، ج ۳، تهران، ناشر: مؤلف.
- ۷- _____ (۱۳۷۱)، طلا در مس، ج اول، چ اول، تهران، مؤلف.
- ۸- بهار، محمدتقی، (۱۳۶۸)، دیوان اشعار، تهران، توس.
- ۹- _____ (۱۳۸۰)، دیوان اشعار، تهران، توس.
- ۱۰- بهنام، جمشید، بی‌تا.
- ۱۱- حافظ، خواجه محمد، (۱۳۸۴)، تصحیح دکتر قاسم غنی و علامه قزوینی، چ نهم، تهران، زوآر.
- ۱۲- حداد عادل، دکتر غلام‌علی، (۱۳۸۰)، دانش‌نامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- ۱۳- _____، دکتر غلام‌علی، بی‌تا، ناسیونالیسم و اسلام، تهران، بی‌تا.
- ۱۴- رزمجو، دکتر حسین، ۱۳۶۶، ج ۱، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، تهران، قدس رضوی.
- ۱۵- شفیع کدکنی، دکتر محمدرضا (۱۳۵۹)، ج اول.
- ۱۶- عارف قزوینی، (۱۳۶۸)، چ دوم، سیدهادی حائری، تهران، جاویدان.
- ۱۷- _____ (۱۳۶۸)، سیدهادی حائری، دیوان شعر، چ دوم، تهران، جاویدان.
- ۱۸- عشقی، میرزاده، (۱۳۴۲)، کلیات مصور، تهران، امیرکبیر.
- ۱۹- _____ (۱۳۷۴)، محمدعلی سپانلو، تهران، روایت.
- ۲۰- فرّخی یزدی، (۱۳۶۹)، به اهتمام حسین مکی، دیوان، چ نهم، تهران، امیرکبیر.
- ۲۱- _____ (۱۳۷۸)، گزیده دیوان فرّخی یزدی، دکتر سید احمد حسینی کازرونی، تهران، ارمغان.
- ۲۲- _____، ابراهیم، (۱۳۸۰)، دیوان به کوشش حسین مسرت، تهران، قطره.
- ۲۳- گیلانی، اشرف (نسیم شمال)، (۱۳۷۰)، کلیات اشعار، تهران، بی‌تا.
- ۲۴- _____ (۱۳۶۳)، جاودانه سید اشرف الدین گیلانی، به کوشش حسین ثمینی، تهران، فرزانه.
- ۲۵- مؤمنی، محمد باقر، (۱۳۵۷)، ادبیات مشروطه، تهران، گلشایی.
- ۲۶- محبوب، دکتر محمدجعفر، (۱۳۵۳)، تحقیق در آثار و افکار اشعار ایرج میرزا، چ سوم، تهران، اندیشه.
- ۲۷- معین، دکتر محمد، (۱۳۲۵)، به نقل از امین، ۱۳۸۴.
- ۲۸- نظامی گنجوی، (۱۳۱۳)، به اهتمام وحید دستگردی، کلیات خمسه، (لیلی و مجنون، خسرو و شیرین) تهران، زرین.